فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۲، پاییز ۱٤۰۰،صفحات ۵۳-۳٦

مقاله پژوهشی

کاوشی در تحولات ارزش‌های دینی و جنسیتی در منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی پارس

عبدالرسول فدایی دولت[۱]، تقی آزاد ارمکی[۲]، علی بقائی سرابی[۳]

تاریخ دریافت: ۲۹/ ۰۱/ ۱٤۰۰ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۰/۰٤/۲٤

چکیده

توسعه‌ی صنعتی یکی از مهم‌ترین پیشران‌های تغییرات اجتماعی و فرهنگی جوامع در چند قرن اخیر بوده است. با گسترش صنعتی‌شدن جوامع، اشکال متفاوتی از جامعه‌پذیری شکل گرفت و ارزش‌های جدیدی در جوامع سنتی حاکم گردید. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر جامعه‌پذیری صنعتی بر ارزش‌های دینی و جنسیتی در منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی پارس است. جامعه‌ی آماری شامل کلیه‌ی افراد ۱۸ تا ٦۵ ساله-ی ساکن در منطقه بوده است و به‌صورت تصادفی از بین آن‌ها اقدام به نمونه‌گیری گردید. جهت پاسخ به سؤال پژوهش، نمونه شامل دو گروه سنی زیر ۳۰ سال و ۳۰ سال به بالا بود و ملاک تقسیم نمونه به این دو گروه، سپری‌کردن دوران کودکی و بلوغ در قبل و بعد از استقرار صنایع نفت و گاز پارس جنوبی بوده است. با استفاده از روش‌های آماری تحلیل واریانس چند متغیره (MANOVA) و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) در نرم‌افزارهای SPSS و AMOS داده‌های حاصل از پیمایش تحلیل گردید. بر اساس نتایج پژوهش، افراد زیر ۳۰ سال ارزش‌های مردسالارانه و نگرش دینی پایین‌تری دارند. به عبارت دیگر، افرادی که در فضای صنعتی رشد کرده و جامعه‌پذیر شده‌اند، ارزش‌های برابری‌طلبانه‌تری در مورد زنان و رویکرد سکولارتری به دین دارند.

[۱] دانش‌جوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.
rasoul.fadaee@yahoo.com

[۲] استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسؤول).
tazad@ut.ac.ir

[۳] استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، رودهن، ایران.
abaghaei@riau.ac.ir

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

واژه‌های کلیدی: توسعه‌ی صنعتی؛ جامعه‌پذیری؛ ارزش‌های دینی؛ ارزش‌های جنسیتی؛ منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی پارس.

مقدمه و طرح مسأله

توسعه مفهومی سهل و ممتنع است که اندیش‌مندان و پژوهش‌گران این حوزه طی نیمه‌ی دوم قرن بیستم و دهه‌های ابتدایی قرن بیست و یکم با رویکردهای گوناگون به بررسی آن پرداخته‌اند. به‌زعم میردال[1]، توسعه درواقع حرکت رو به بالای کل نظام اجتماعی است. این تعبیر از نظام اجتماعی هم شامل ابعاد اقتصادی و هم ابعاد غیر اقتصادی است. این پویایی و تحول ناشی از علیت دوری میان وضعیت‌های درونی نظام اجتماعی بوده و نشان‌دهنده‌ی این است که با تغییر یکی از وضعیت‌ها، دیگر وضعیت‌ها نیز در واکنش به آن، تغییر می‌کنند (میردال، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۱) و این جریان تغییرات به شکلی مداوم و درهم‌تنیده ساختاری به‌هم‌وابسته ایجاد کرده و پویایی تحولات اجتماعی رقم می‌خورد.

اغلب متفکران توسعه علاوه بر ساختارهای کلان، به جنبه‌هایی از ریشه‌ها و پیامدهای توسعه و عدم توسعه‌یافتگی در سطوح فردی و تفکرات و نگرش‌های اعضای جوامع توجه کرده و آن را زمینه‌ای مهم و حیاتی در فهم توسعه می‌دانند. به تعبیر دیگر، تمرکز بر تحولات ارزشی افراد در جوامع در حال توسعه و توسعه‌یافته بخش مهمی از مطالعات توسعه را پیش برده است. اینگلهارت[2] یکی از پژوهش‌گران و نظریه‌پردازانی است که به شکلی منسجم و طولانی بر این وجه از توسعه پرداخته و مطالعات عمیق و گسترده‌ای را در این حوزه به انجام رسانده است.

اینگلهارت (۲۰۱۸) به‌عنوان یکی از پژوهش‌گران متأخر صنعتی‌شدن، خاطر نشان کرده است تحول گسترده در سطح رفاه اقتصادی جوامع منجر به افزایش نوعی از امنیت اقتصادی و هستی‌شناختی شده است که به‌تبع آن ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های مردم نیز دچار تحول شده است. بدین معنی که نگرش‌های مبتنی بر بقا و حفظ جان، جای خود را به رویکردهای مبتنی بر آزادی فردی در انتخاب سبک زندگی داده است. در نتیجه، سایر ارزش‌های حاکم بر زندگی آن‌ها نیز دچار تغییر و تحول شده است. مطالعات گسترده مقایسه‌ای در سطح کشورها و طی زمان حدود ۵۰ ساله نشان می‌دهد ارزش‌های حاکم بر جوامع با سطوح مختلف توسعه‌یافتگی تفاوت ماهوی با

[1] Myrdal
[2] Inglehart

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

هم دارند و حرکت کشورها در مسیر توسعه یا ایستایی شرایط حاکم بر آن‌ها بر تحولات ارزشی آن‌ها تأثیر بارزی داشته است. به تعبیر دیگر، توسعه‌ی صنعتی ارزش‌های جوامع را تغییر داده است.

بر پایه‌ی نتایج مطالعات اینگلهارت در قالب پیمایش ارزش‌های جهانی، مقولاتی مانند سکولار شدن یکی از پیامدهای گریزناپذیر ورود صنعت به یک منطقه بوده است. این فرآیند در یک بازه‌ی نیم‌قرنی به رفتارهایی مانند باروری و روابط بین دو جنس تأثیر قوی داشته است. از طرف دیگر، امروزه دین به‌عنوان عنصر هویتی پایه در جوامع توسعه‌یافته محسوب نمی‌شود و ارزش‌های متفاوتی جایگزین دین‌ورزی شده است.

تحولات صنعتی راه خود را در ساختارهای اجتماعی نیز پیدا کرده است و از طریق تغییر در ساختار و سبک اشتغال، تعریف جنسیت را متحول ساخته و رویکردهای تاریخی مردسالارانه در روابط دو جنس به چالش کشیده شده است. اینگلهارت معتقد است تغییر نگرش‌های مردم نسبت به برابری جنسیتی طی دو مرحله شکل می‌گیرد. در مرحله‌ی اول، تغییری تدریجی در مدارا نسبت به حمایت از برابری جنسیتی بروز می‌کند. این تغییر در فرآیند جایگزینی نسل‌های جوان به جای نسل‌های کهن‌سال رخ می‌دهد. در مرحله‌ی دوم این تغییرات به نهادینه‌شدن هنجارهای جدید می‌انجامد. به‌طوری‌که حتی عده‌ای از «زنانه‌شدن» هنجارهای فرهنگی در جوامع توسعه‌یافته صحبت می‌کنند.

فرآیند صنعتی‌شدن در ایران نسبت به زادگاه اولیه‌ی آن در اروپا با تأخیر قابل توجهی شروع شد و در مسیر خود با فراز و فرود زیادی مواجه بوده است. صنایع وابسته به نفت یکی از بزرگ-ترین و گسترده‌ترین صنایعی است که این تحولات به‌طور ویژه در حول و حوش آن اتفاق افتاده و کل مسیر توسعه بر اساس آن طی شده است. اکتشاف نفت و گاز در حوزه‌ی جنوبی ایران و مزایای آن هم برای حاکمان ایران و هم سایر کشورها، نیروی انگیزاننده‌ای بود که توسعه‌ی صنعتی با محوریت این صنعت را در مناطق جنوبی ایران تسهیل و تسریع کرد. با پایان جنگ هشت ساله و ورود ایران به دوران تازه‌ای از حیات سیاسی، توجه به توسعه‌ی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در حاشیه‌ی خلیج فارس اولویت یافت و در زمانی کوتاه حجم و سطح گسترده‌ای از تأسیسات صنعتی در این مناطق مستقر گردید.

منطقه‌ی پارس جنوبی با چشم‌انداز تحقق بزرگ‌ترین مجموعه‌ی صنعتی کشور پا به عرصه‌ی رشد گذاشت و روستای کوچک عسلویه به سرعت در ذهن بسیاری از ایرانیان در قامت یک شهر شناخته‌شده در آمد. سرعت در استقرار و گسترش و درگیرکردن ذی‌نفعان متعدد در پارس جنوبی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ناگزیر بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی نیز اثرگذار خواهد بود و همچنان که اینگلهارت اشاره داشته است، این تأثیرات به لایه‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی شهروندان نفوذ خواهد کرد.

سؤال اصلی که از کنارهم گذاشتن این مقدمات طرح می‌شود، این است که آیا این منطقه نیز همچون اغلب جوامعی که با مظاهر صنعت مواجه شده‌اند، از لحاظ دین‌ورزی دچار سکولاریزاسیون شده است و آیا نظام تعاملات جنسیتی مبتنی بر تعریف مردسالارانه از جنسیت، راه برابری‌طلبانه‌تری پیدا کرده است یا اینکه سایر ساختارهای اجتماعی موجود توانسته‌اند در مسیر این تغییرات سدی ایجاد کنند و ارزش‌های پیشین و سنتی همچنان بر نگرش‌های دینی و جنسیتی ساکنان این منطقه حاکم مانده است؟

چارچوب نظری پژوهش

جامعه‌پذیری یکی از مهم‌ترین مفاهیمی است که در تبیین تحولات ناشی از صنعتی‌شدن و نوسازی جوامع توسط اندیش‌مندان و پژوهش‌گران مورد استفاده قرار گرفته است. پژوهش‌گران مبتنی بر رویکرد نظری و اهداف پژوهشی خود، تعاریف مختلفی از ابعاد جامعه‌پذیری ارائه کرده‌اند و صورت‌بندی این تعاریف در قالبی واحد و ساختارمند، کاری بس دشوار محسوب می‌شود. درعین‌حال، اشتراکات قابل ملاحظه‌ای در این تعاریف قابل شناسایی است: به‌زعم بسیاری از این پژوهش‌گران، جامعه‌پذیری شامل نهادینه‌سازی ارزش‌ها، هنجارها و سایر عناصر اجتماعی موجود در جامعه و محیط پیرامون در شخصیت اعضای آن جامعه تلقی می‌شود (ریچاردز و همکاران[1]، ۲۰۱٤؛ ویدمن و همکاران[2]، ۲۰۱٤؛ گیدنز[3]، ۲۰۲۰؛ کوهن[4]، ۲۰۱۹؛ علاقه‌بند، ۱۳۹٤؛ احدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ صداقتی‌فرد، ۱۳۹۹)

با وجود اینکه اکثر این افراد معتقدند جامعه‌پذیری فرآیندی مادام‌العمر است و فرد در تمامی دوران زندگی خود در معرض پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه خود قرار دارد، نظر غالب بر این است که مهم‌ترین جنبه‌های جامعه‌پذیری در مرحله‌ی اولیه آن شکل می‌گیرد که مربوط به دوران کودکی و بلوغ است. اینگلهارت با تکیه بر این دیدگاه، جامعه‌پذیری را متمرکز بر دوران کودکی می‌داند و معتقد است ارزش‌های حاکم بر دوران تربیتی فرد، مهم‌ترین عامل

[1] Richards et al
[2] Weidman et al
[3] Giddens
[4] Cohen

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جهت‌دهنده در اولویت‌های ارزشی وی محسوب می‌شود. وی معتقد است ارزش‌های اساسی فرد، منعکس‌کننده شرایط حاکم بر دوران کودکی و نوجوانی او هستند. بر اساس فرضیه‌ی جامعه‌پذیری اینگلهارت، اولویت‌های ارزشی افراد با رسیدن به بزرگ‌سالی تقریباً ثابت باقی می‌ماند و تغییرات اندکی در آن‌ها رخ می‌دهد. پس انتظار می‌رود در جوامعی که شاهد افزایش سطوح توسعه‌ی اقتصادی بوده‌اند، تفاوت‌های عمده‌ای میان ارزش‌های جوانان و بزرگ‌سالان مشاهده شود (اینگلهارت، ۲۰۱۸: ۲۵-۱۷).

ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی ابعاد و جنبه‌های زیادی دارند و می‌توان نشانه‌های تغییر در ارزش‌ها را در الگوهای رفتاری و مواضع گوناگونی ردیابی کرد. با توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی ایران، ارزش‌های دینی از جمله مهم‌ترین و بارزترین ارزش‌هایی هستند که بخشی اساسی از هویت فرهنگی و ارزشی شهروندان ایرانی را شکل می‌دهد. درعین‌حال، تبلور این ارزش‌ها در کلیه‌ی ابعاد زندگی، تغییرپذیری آن‌ها را بیشتر کرده و تنوع الگوهای دین‌ورزی مبتنی بر شرایط غالب را به وجود آورده است. مطالعات متعدد در حوزه‌ی سکولاریزاسیون حاکی از تأثیر نوسازی به‌ویژه از لحاظ رشد اقتصادی و صنعتی در کاهش سطوح دین‌ورزی است (اینگلهارت، ۲۰۱۸؛ استارک[1]، ۱۹۹۹؛ نوریس و اینگلهارت[2]، ۲۰۰۴؛ گورسکی[3]، ۲۰۰۰).

علاوه بر این، مواجهه‌ی شهروندان با مقوله‌ی جنسیت و تعریف آن‌ها از برابری یا برتری زن و مرد، در شؤون گوناگون زندگی جایگاه مهمی داشته و در موقعیت‌های مختلف زندگی روزمره بروز و ظهور گسترده‌ای دارد.

مطالعات متعدد نشان می‌دهد گسترش صنعت در دو سده‌ی اخیر شرایط زندگی را متحول ساخته و نیازها و خواسته‌های افراد را تغییر داده است. دو ارزش فرهنگی و اجتماعی دینی و جنسیتی نیز در مواجهه با پیامدها و ضرورت‌های صنعتی‌شدن تغییراتی را پذیرفته‌اند. بر این اساس، در این پژوهش فرض بر این است که ارزش‌های دینی و جنسیتی که در دوران پیش از استقرار صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در منطقه‌ی پارس جنوبی حاکم بوده است، با استقرار و توسعه‌ی این صنایع در منطقه‌ی پارس جنوبی دچار تحول شده است و شهروندان پرورش‌یافته در

[1] Stark
[2] Norris and Inglehart
[3] Gorski

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دوران پس از صنعتی‌شدن منطقه، با ارزش‌های متفاوتی به جهان می‌نگرند و از هنجارهای متفاوتی تبعیت می‌کنند.

پیشینه‌ی پژوهش

پژوهش‌گران با توجه به اهمیت توسعه‌ی صنعت در زندگی بشری، پیامدهای آن را بر تغییرات ارزشی بررسی کرده‌اند. مطالعه‌ی شیری (۱۳۹۸) نشان می‌دهد شهروندان جوامع مدرن و توسعه‌یافته نگرش برابری‌طلبانه‌تری نسبت به جایگاه زنان و مردان در جامعه دارند. مطالعات طولی ماسون و لو[1] (۱۹۸۸) نشان می‌دهد تغییرات ارزشی علاوه بر تفاوت در کشورهای مختلف از لحاظ توسعه‌یافتگی، روندی تاریخی نیز دارد. فاستر[2] (۱۹۷۳) در بررسی شواهدی از امریکای لاتین و افریقا نتیجه گرفته است اشتغال در کارخانه‌ها ساخت خانواده را متحول ساخته و رفتارها و توقعات خانوادگی و سنتی را تغییر داده است. هم‌راستا با یافته‌های فاستر (۱۹۷۳)، مطالعه‌ی پارسی و کیایی (۱۳۹۵) و امینی‌نژاد (۱۳۹٤) حاکی از تغییر الگوهای ارتباطی زنان و مردان است و در نتیجه فرآیند صنعتی‌شدن در قطب صنعتی پارس جنوبی، ساختار اشتغال سنتی و الگوهای روابط دو جنس و ازدواج نیز متحول شده است. تأثیرپذیری از عناصر فرهنگ مدرن در نگرش به جایگاه سنتی زنان، در بین مردان و زنان یکسان نیست و مردان بیشتر از زنان از تبعیض‌های جنسیتی دفاع می‌کنند (فلاحی، ۱۳۹٦؛ احمدی، ۱۳۹۷). ماسون و لو (۱۹۸۸) نشان دادند تغییرات ارزشی فراتر از جنسیت افراد بوده و در هر دو گروه مردان و زنان نگرش برابری‌طلبانه افزایش یافته است.

مطالعات تجربی در حیطه‌ی سکولاریزاسیون نشان می‌دهد سطوح دین‌داری افراد در جوامع گوناگون متأثر از سطوح رشد اقتصادی است و در جوامع صنعتی و توسعه‌یافته‌تر ارزش‌های دینی کم‌رنگ‌تر شده‌اند (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰٤؛ ایوانز و نورتموربال[3]، ۲۰۱۲؛ ویلکینزلافلام[4]، ۲۰۱٦؛ پولاک[5]، ۲۰۱٦؛ استرولیک[1]، ۲۰۱٦؛ بکر، نگلر و واسمن[2]، ۲۰۱۷؛ اشنابل و بوک[3]، ۲۰۱۷؛ هالمان و درالانس[4]، ۲۰۰٦؛ واس و چاوز[5]، ۲۰۱۸؛ اینگلهارت، ۲۰۱۸؛ حکمت‌پور، ۲۰۲۰).

[1] Mason & Lu
[2] Foster
[3] Evans and Northmore-Ball
[4] Wilkins-Laflamme
[5] Pollack

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مطالعه‌ی آموچاستگویی[6] و همکاران (۲۰۱۰) حاکی از تعامل متقابل سیاست، دین و برابری جنسیتی است. مطالعه‌ی یگانه (۲۰۲۱) نیز نشان داده است ریشه‌های سنتی دینی در جوامع مانع مهمی در راه تأثیر توسعه و رشد اقتصادی بر گسترش برابری جنسیتی است.

مجموعه مطالعات فوق نشان می‌دهد تعامل تنگاتنگی بین روند و سطح توسعه‌یافتگی و صنعتی‌شدن با ارزش‌های حاکم در جامعه وجود دارد. درواقع، گسترش صنعت در دو سده‌ی اخیر شرایط زندگی را متحول ساخته و نیازها و خواسته‌های افراد را تغییر داده است. دو ارزش فرهنگی و اجتماعی دینی و جنسیتی نیز در مواجهه با پیامدها و ضرورت‌های صنعتی‌شدن، تغییراتی را پذیرفته‌اند. به‌طوری‌که تحولات صنعتی تأثیر عمیقی بر شیوه و سطوح دین‌داری افراد در یک جامعه داشته و در عین حال، شرایط مردسالارانه را به چالش جدی کشیده است.

مبتنی بر این مطالعات و همچنین با اتکا به نظریه‌ی جامعه‌پذیری در این پژوهش فرض بر این است که ارزش‌های دینی و جنسیتی که در دوران پیش از استقرار صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در منطقه‌ی پارس جنوبی حاکم بوده است، با استقرار و توسعه‌ی این صنایع در منطقه‌ی پارس جنوبی دچار تحول شده است و شهروندان پرورش‌یافته در دوران پس از صنعتی‌شدن منطقه، با ارزش‌های متفاوتی به جهان می‌نگرند و از هنجارهای متفاوتی تبعیت می‌کنند.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد کمّی انجام گرفته است. جامعه‌ی آماری هدف این پژوهش شامل کلیه-ی ساکنان ۱۸ تا ۶۵ ساله‌ی شهرستان‌های جم، عسلویه و دیر است که در منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی پارس جنوبی قرار دارد. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۹۳ نفر تعیین گردید و بر اساس سه شاخص نسبت جمعیت هر شهرستان، نسبت جنسی و نسبت سنی در هر شهرستان، توزیع نسبت نمونه مشخص گردید و به صورت تصادفی اقدام به نمونه‌گیری گردید.

داده‌ها از طریق پیمایش و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه گردآوری شده است. گویه‌ها از پرسش‌نامه‌ی استاندارد پیمایش ارزش‌های جهانی گرته‌برداری شده‌اند. این سؤالات در چندین

[1] Strulik
[2] Becker, Nagler and Woessmann
[3] Schnabel and Bock
[4] Halman and Draulans
[5] Voas & Chaves
[6] Amuchástegui

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

موج پیمایشی در نقاط مختلف جهان از جمله ایران سنجیده شده‌اند و اعتبار و روایی قابل قبولی دارند. در جدول ۱ شاخص‌های روایی و پایایی برای دو سازه پژوهش محاسبه شده و نتایج آماری نیز مؤید نیکویی ابزار پژوهش است.

جدول شماره‌ی یک- شاخص‌های روایی و پایایی

سازه	آلفا	KMO	SIG.
ارزش‌های دینی	۰/۷٦٤	۰/۷۸۸	۰/۰۰۰
ارزش‌های جنسیتی	۰/۷۳	۰/۷۱۲	۰/۰۰۰

با توجه به فرض بنیادی این پژوهش از لحاظ نقش جامعه‌پذیری اولیه‌ی افراد و تأثیرپذیری ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها از فضای صنعتی، در این پژوهش به مقایسه‌ی ارزش‌های دینی و جنسیتی در نسل‌های متفاوت پرداخته شده است که مواجهه‌ی متفاوتی با مظاهر صنعت در منطقه‌ی پارس جنوبی داشته‌اند. بررسی تأثیر صنعت در تحولات ارزشی، با سه رویکرد مختلف صورت می‌گیرد: ۱- تحلیل نسلی؛ ۲- مقایسه‌ی کشورهای فقیر و ثروتمند و ۳- بررسی روندهای قابل مشاهده‌ی طی چند دهه (اینگلهارت، ۲۰۱۸: ۲۵).

در این پژوهش، از رویکرد تحلیل گروه‌های نسلی بهره گرفته شده است. با توجه به شروع گسترده‌ی فعالیت‌های صنعتی از سال ۱۳۷۵ در منطقه و به دنبال آن تأسیس رسمی سازمان منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی پارس در سال ۱۳۷۷ بر اساس سطح مواجهه با این شرایط، جامعه‌ی هدف در دو گروه نسلی کلی شامل: ۱- کسانی که کل دوران بلوغ خود را پس از آغاز فعالیت‌های صنعتی در منطقه سپری کرده‌اند (پایین‌تر از ۳۰ سال)؛ ۲- کسانی که کل دوران بلوغ خود را پیش از آغاز فعالیت‌های صنعتی در منطقه سپری کرده‌اند (بالاتر از ۳۰ سال). در نتیجه برای سنجش تفاوت این دو گروه از لحاظ متغیرهای پژوهش، آزمون‌های آماری تحلیل واریانس چندمتغیری[1] (نرم‌افزار اس‌پی‌اس‌اس[2]) و همچنین مدل‌یابی معادلات ساختاری[3] (نرم‌افزار اموس[4]) مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

[1] MANOVA
[2] SPSS
[3] Structural Equation Modeling
[4] AMOS

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

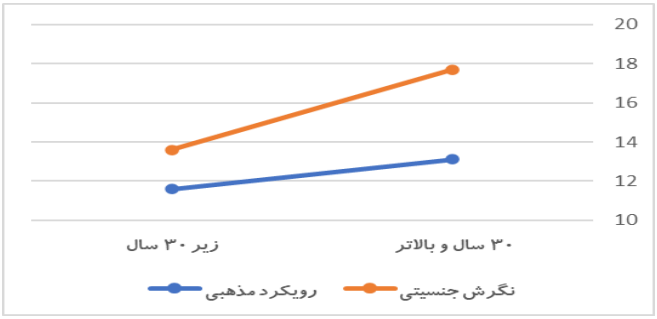
یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد ساکنان شهری، مردان و افراد متأهل نسبت بالاتری در نمونه دارند که در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول شماره‌ی دو- نتایج توصیفی ویژگی جمعیت‌شناختی

متغیر		گروه نسلی		
		زیر ۳۰ سال	۳۰ سال و بالاتر	کل
جنسیت	مرد	٥٥/٦	٦٦/٧	٥٩/٨
	زن	٤٤/٤	٣٣/٣	٤٠/٢
محل سکونت	شهر	٦٢/٢	٦٦	٦٣/٨
	روستا	٣٧/٨	٣٤	٣٦/٢
وضعیت تأهل	مجرد	٥٦/٤	٨	٣٧/٩
	متأهل	٤٣/٦	٩٢	٦٢/١

در این پژوهش دو متغیر نگرش جنسیتی و رویکرد مذهبی متغیرهای وابسته هستند که توصیف اجمالی از آن‌ها در نمودار ۱ نشان داده شده است. بر اساس نمودار ۱، میانگین نگرش جنسیتی نشان می‌دهد افراد زیر ۳۰ سال رویکرد برابری‌طلبانه‌تری به جایگاه زنان دارند؛ درحالی‌که افراد ۳۰ ساله و بالاتر نگرش مردسالارانه‌تری دارند. میانگین رویکرد مذهبی نیز نشان می‌دهد افراد ۳۰ ساله و بالاتر، نگرش‌های مذهبی قوی‌تری از بقیه دارند.



نمودار شماره‌ی یک- نتایج توصیفی متغیرهای وابسته بر اساس گروه نسلی

به منظور پاسخ به سؤال پژوهش و سنجش تفاوت جامعه‌پذیری در فضای صنعتی و پیشاصنعتی از لحاظ ارزش‌های مذهبی و جنسیتی از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شده است. نتایج آزمون نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین دو گروه نسلی زیر ۳۰ سال و ۳۰ ساله و بالاتر از لحاظ هر دو متغیر وجود دارد.

لامبدای ویلکز=۰/۸۱; مجذور اتای جزیی = ۵/۸ ;F = ۱/۳۹۱ ,p=۴۴/۴ ,۰/۰۰۰

بررسی تفکیکی نتایج برای هرکدام از متغیرهای وابسته نشان می‌دهد با لحاظ تصحیح بنفرونی در سطح ۰/۰۲۵ تفاوت میانگین دو گروه نسلی در هر دو متغیر وابسته، نگرش دینی (P=۰/۰۰۰ ,F=۸۲/٤) و نگرش مذهبی (F=۱٦/۹٦, P=۰/۰۰۰) معنی‌دار شده است. همچنین نتایج نشان می‌دهد میانگین نمره‌ی نگرش جنسیتی افراد ۳۰ ساله و بالاتر (M=۱۷/۷, SD=۰/۳٦) بیشتر از مقدار آن برای افراد زیر ۳۰ سال (M=۱۳/٦, SD=۰/۲۸) شده است. این الگو در متغیر نگرش دینی نیز مشاهده می‌شود و افراد ۳۰ ساله و بالاتر (M=۱۳/۰۱, SD=۰/۲۷) میانگین بیشتری از افراد زیر ۳۰ سال (M=۱۱/٦, SD=۰/۲۱) دارند. این نتایج نشان می‌دهد جامعه‌پذیری در فضای صنعتی در منطقه‌ی پارس جنوبی بر نگرش افراد به مقوله‌ی جنسیت و دین تأثیر گذاشته است.

نتایج ضرایب همبستگی متغیرهای آشکار در جدول ۳ نشان می‌دهد همبستگی درون‌سازه‌ای ابعاد هر دو سازه‌ی نگرش جنسیتی و نگرش دینی معنی‌دار است؛ درحالی‌که در همبستگی بین‌سازه‌ای روابط برخی ابعاد با همدیگر معنی‌دار نشده است. نکته‌ی قابل توجه دیگر، شدت روابط درون‌سازه‌ای متوسط و قوی در سازه‌ی نگرش دینی و روابط متوسط و ضعیف در سازه‌ی نگرش جنسیتی است.

جدول شماره‌ی سه- ارزیابی ضریب همبستگی متغیرهای آشکار در مدل

	نگرش جنسیتی					نگرش دینی			
	GA2	GA3	GA4	GA5	GA1	Rel1	Rel2	Rel3	Rel4
GA2	۱								
GA3	۰/۲**	۱							
GA4	۰/۱۹**	۰/۲۲**	۱						
GA5	۰/۱۵**	۰/۲٦**	۰/٤**	۱					
GA1	۰/۱٦**	۰/۲٤**	۰/۲۵**	۰/۳۳**	۱				
Rel1	۰/۱۳*	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۵**	۰/۲۲**	۱			
Rel2	۰/۱۱*	-۰/۰۱	۰/۰٤	۰/۰٦	۰/۱٤**	۰/٦۲**	۱		
Rel3	۰/۱٤**	۰/۱۵**	۰/۱٤**	۰/۱٤**	۰/۱۵**	۰/٦**	۰/۳۸**	۱	
Rel4	۰/۱۸**	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۳**	۰/۱۷**	۰/۷**	۰/٦**	۰/۵۲**	۱

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

** معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ * معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

به منظور بررسی نقش جامعه‌پذیری صنعتی در تغییر ارزش‌های دینی و جنسیتی از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. با توجه به اینکه هدف پژوهش، سنجش تأثیر جامعه‌پذیری اولیه در دو وضعیت پیشاصنعتی و در مسیر صنعتی‌شدن است، مدل هم‌تغییری ارزش‌های دینی و جنسیتی به تفکیک برای دو گروه هدف محاسبه شده است. جدول ٤ نتایج برازش مدل را به تفکیک دو گروه نسلی نشان می‌دهد. بر اساس نتایج حاصل، نسبت خی‌دو به درجه‌ی آزادی[1] در گروه زیر ۳۰ سال ۱/۷ و در گروه ۳۰ ساله به بالا برابر با ۱/۰٤ شده است که گویای برازش مدل در هر دو گروه است. (مقدار قابل قبول: کمتر از ۳) نتایج شاخص‌های ریشه‌ی میانگین مجذورات تقریب[2]، معیارهای نیکویی برازش[3] و حد تعدیل شده آن[4]، معیار برازش هنجار شده[5]، تطبیقی[6]، اضافی[7] و برازش نسبی[8] برای هر دو گروه حاکی از برازش مطلوب مدل و قابلیت اتکا به نتایج حاصل از لحاظ تعمیم‌دهی است.

جدول شماره‌ی چهار- شاخص‌های نیکویی برازش مدل پژوهش

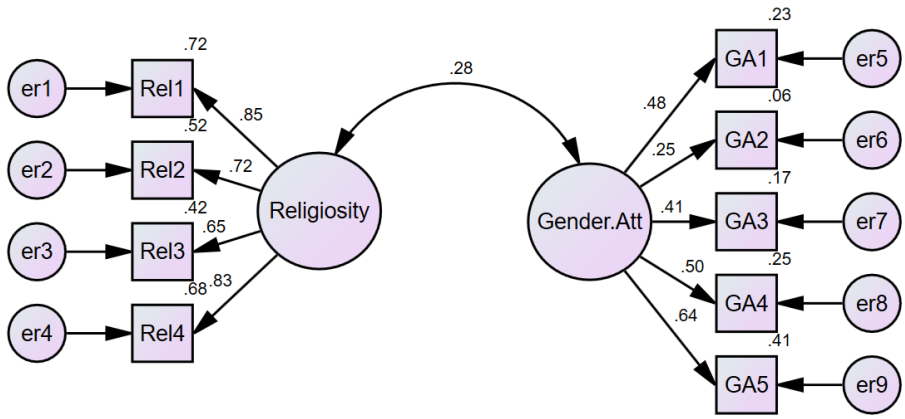
شاخص‌های نیکویی برازش	مقدار مطلوب	مقدار اندازه‌گیری‌شده	
		گروه زیر ۳۰ سال	گروه ۳۰ سال و بالاتر
X^2	Nil	٤٤/۲	۲۷/۱
Df	≥ 0	۲٦	۲٦
X^2/df	$\leq$ ۳	۱/۷	۱/۰٤
P	$\geq$. 05	۰/۰۱٤	۰/٤۰۲
GFI	$\geq$. 80	۰/۹٦۱	۰/۹٦۲
AGFI	$\geq$. 80	۰/۹۳۲	۰/۹۳٥
NFI	$\geq$. 80	۰/۹۲۰	۰/۹۰۸
CFI	$\geq$. 80	۰/۹٦٥	۰/۹۹٦

[1] X^2/df
[2] RMSEA
[3] GFI
[4] AGFI
[5] NFI
[6] CFI
[7] IFI
[8] RFI

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

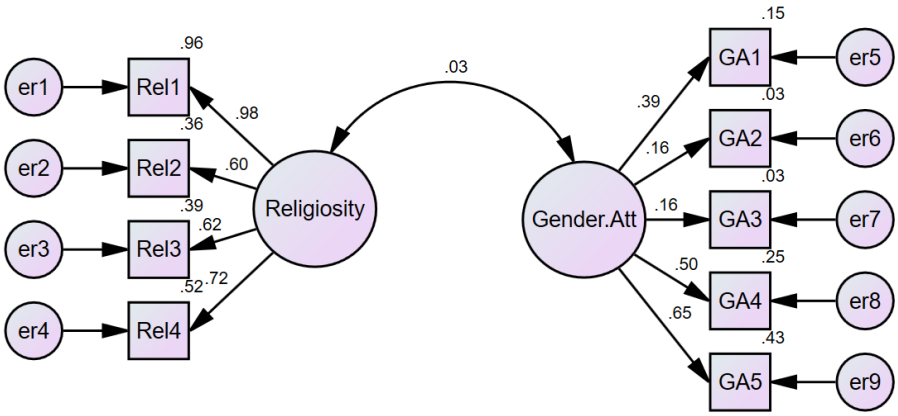
TLI	≥. 80	۰/۹۵۱	۰/۹۹٤
RMSEA	≤ 0. 1	۰/۰٥٤	۰/۰۱۷
PCLOSE	≤ 0. 05	۰/۳۷۹	۰/۸۱۳

نتایج روابط هم‌تغییری بین دو سازه‌ی ارزش‌های جنسیتی و دینی و ابعاد هرکدام در شکل ۱ نمایش داده شده است. شکل ۱-الف مدل ساختاری گروه زیر ۳۰ سال و شکل ۱-ب مدل ساختاری گروه ۳۰ سال به بالا را نشان می‌دهد. رابطه‌ی هم‌تغییری ارزش‌های دینی و جنسیتی در بین افراد زیر ۳۰ سال با شدت رابطه متوسط (۰/۲۵۸) معنی‌دار شده است؛ درحالی‌که رابطه‌ی این دو سازه در بین افراد ۳۰ سال به بالا معنی‌دار نشده است. از طرف دیگر، رابطه‌ی سازه‌ی ارزش‌های جنسیتی با ابعاد آن در گروه زیر ۳۰ سال معنی‌دار است؛ درحالی‌که در بین افراد ۳۰ سال به بالا، رابطه‌ی دو بعد با سازه‌ی نگرش جنسیتی معنی‌دار نشده است. رابطه‌ی سازه‌ی ارزش‌های دینی با ابعاد خود در هر دو گروه از یک الگوی مشابه برخوردار است. بنابراین در مجموع می‌توان گفت جامعه‌پذیری در فضای صنعتی بیشتر بر ارزش‌گذاری جنسیتی اثر گذاشته و ارزش‌های دینی تأثیر معنی‌داری از این وضعیت نگرفته‌اند.



الف) گروه نسلی زیر ۳۰ سال

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



ب) گروه نسلی ۳۰ سال و بالاتر

شکل شماره‌ی یک- مدل‌یابی معادلات ساختاری روابط حاکم میان متغیرهای مورد مطالعه بر اساس ضرایب استاندارد

معنی‌داری روابط در جدول ۵ حاکی از آن است که ساختار روابط بین دو سازه و ابعاد آن‌ها در دو گروه نسلی با همدیگر متفاوت است. نتایج مقایسه‌ای نشان می‌دهد اغلب روابط در مدل مربوط به افراد زیر ۳۰ سال نسبت به افراد ۳۰ ساله و بالاتر، شدت رابطه‌ی بیشتری دارد. در عین حال، سه بعد از ابعاد ارزش‌های جنسیتی و همچنین رابطه‌ی هم‌تغییری ارزش‌های دینی و جنسیتی در بین افراد بالای ۳۰ سال معنی‌دار نشده است. درنتیجه به نظر می‌رسد جامعه‌پذیری در دو جامعه‌ی پیشاصنعتی و در مسیر صنعتی‌شدن بر ارزش‌گذاری‌های دینی و جنسیتی افراد تأثیرگذار بوده است.

جدول شماره‌ی پنج- ضرایب رگرسیونی غیراستاندارد و استاندارد مدل ساختاری

روابط			زیر ۳۰ سال			۳۰ سال و بالاتر		
			ضریب	ضریب استاندارد	معنی‌داری	ضریب	ضریب استاندارد	معنی‌داری
Religiosity	<---	Rel4	۱	۰/۸۳		۱	۰/۷۲	
Religiosity	<---	Rel3	۰/۶۳	۰/۶۵	***	۰/۸۷	۰/۶۲	***
Religiosity	<---	Rel2	۱/۷	۰/۷۲	***	۱/۴۸	۰/۶	***
Religiosity	<---	Rel1	۰/۷۴	۰/۸۵	***	۰/۹۳	۰/۹۸	***
Gender.Att	<---	GA1	۱	۰/۴۸		۱	۰/۳۹	
Gender.Att	<---	GA2	۰/۵۹	۰/۲۵	۰/۰۰۵	۰/۴	۰/۱۶	۰/۱۷
Gender.Att	<---	GA3	۰/۹۴	۰/۴۱	***	۰/۳۸	۰/۱۶	۰/۱۷
Gender.Att	<---	GA4	۱/۰۳	۰/۵	***	۱/۲۲	۰/۵	۰/۰۰۵
Gender.Att	<---	GA5	۱/۱۲	۰/۶۴	***	۱/۵	۰/۶۵	۰/۰۱
Gender.Att	<-->	Religiosity	۰/۱۷۵	۰/۲۸۵	۰/۰۰۵	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۷۹۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

نتیجه‌گیری

این مقاله به دنبال بررسی نقش توسعه‌ی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی در تغییرات ارزش‌های دینی و جنسیتی ساکنان منطقه‌ی پارس جنوبی بوده است. نظریات و تعریف‌های مختلف از جامعه‌پذیری و همچنین مطالعات گسترده‌ی اینگلهارت در حوزه‌ی تغییرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از مدرنیزاسیون و صنعتی‌شدن، پایه‌ی نظری و روش‌شناختی این پژوهش را شکل داده است. به زعم اینگلهارت، جامعه‌پذیری اولیه در یک جامعه‌ی پیشاصنعتی و صنعتی، ارزش‌های متفاوتی را در افراد شکل می‌دهد. بنابراین با انتخاب دو گروه سنی مختلف که دوران کودکی و بلوغ خود را در شرایط پیش و پس از استقرار و گسترش صنایع نفت، گاز و پتروشیمی سپری کرده بودند، تلاش گردید پیامدهای این دو نوع جامعه‌پذیری در ارزش‌های دینی و جنسیتی واکاوی شود.

نتایج مقایسه‌ای میانگین ارزش‌های دینی و جنسیتی در دو گروه زیر ۳۰ سال و ۳۰ سال به بالا نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد؛ به‌طوری‌که افراد زیر ۳۰ سال که دوران کودکی و بلوغ خود را در فضای صنعتی‌شده‌ی پارس جنوبی گذرانده‌اند، رویکرد برابری‌طلبانه‌تری به جایگاه زنان در عرصه‌ی اجتماعی و فردی داشتند که با یافته‌های شیری (۱۳۹۸)، پارسی و کیایی (۱۳۹۵) و امینی‌نژاد (۱۳۹٤) هم‌سویی دارد.

ارزش‌های دینی در نسل جوان‌تر نیز نسبت به افراد بزرگ‌سال کم‌رنگ‌تر شده است که از تأثیر جامعه‌پذیری صنعتی بر بروز رویکردهای سکولار حکایت دارد. این یافته نیز با یافته‌های پژوهش بکر، نگلر و واسمن، ۲۰۱۷؛ ایوانز و نورتموربال، ۲۰۱۲؛ هالمان و درالانس، ۲۰۰٦؛ پولاک، ۲۰۱٦؛ اشنابل و بوک، ۲۰۱۷؛ واس و چاوز، ۲۰۱٦، ۲۰۱۸؛ ویلکینزلافلام، ۲۰۱٦، نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰٤؛ استرولیک، ۲۰۱٦؛ اینگلهارت، ۲۰۱۸ و حکمت‌پور، ۲۰۲۰ هم‌راستا است. هرچند تفاوت میانگین ارزش‌های دینی در دو گروه معنی‌دار شده است، ولی فاصله‌ی میانگین‌ها در مقایسه با ارزش‌های جنسیتی کمتر شده است که نیازمند بررسی‌های تکمیلی است.

با توجه به ماهیت چندمتغیره‌ی پژوهش حاضر، مدل‌یابی معادلات ساختاری به تفکیک دو گروه هدف این پژوهش، نشان داد تعامل ارزش‌های دینی و جنسیتی تحت تأثیر شیوه‌ی جامعه‌پذیری افراد قرار گرفته است، بدین‌صورت که رابطه‌ی هم‌تغییری ارزش‌های دینی و جنسیتی در گروه زیر ۳۰ سال مثبت و معنی‌دار شده است؛ درحالی‌که در بین افراد ۳۰ سال به بالا رابطه‌ی معنی‌داری بین این دو سازه مشاهده نمی‌شود. این یافته نشان می‌دهد ارزش‌های ناشی از صنعتی‌شدن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جهت مشابهی پیدا کرده‌اند و در بین افرادی که رویکردهای برابری‌طلبانه‌تری به جایگاه زنان دارند، ارزش‌های دینی نیز کم‌رنگ‌تر است.

یافته‌های این پژوهش را باید با مقداری احتیاط تفسیر کرد. هرچند استدلال اینگلهارت در خصوص تأثیر جامعه‌پذیری صنعتی بر تغییرات ارزشی است، ولی توجه به این نکته ضرورت دارد که سرعت تحولات فناوری اطلاعات و دسترسی گسترده به ابزارها و شبکه‌های ارتباطی و اجتماعی نیز فرآیند جامعه‌پذیری را متحول ساخته و در تحلیل تغییرات امروزی عدم لحاظ این متغیر به‌عنوان یک محدودیت قابل توجه باید مدنظر قرار گیرد. از این‌رو، در کنار توجه به تغییرات صنعتی پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به تعامل متقابل توسعه‌ی صنعتی و فناوری‌های ارتباطی در تغییرات ارزشی بپردازند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. احدی، بهزاد؛ سیدعامری، میرحسن و گلاله رسول‌آذر (۱۳۹۸) «چشم‌انداز مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سازمانی براساس تبیین ویژگی‌های رهبری خدمت‌گزار (مطالعه‌ی موردی: اداره کل ورزش و جوانان استان آذربایجان‌غربی)»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی**، ۸ (۱): ۴۲-۳۳.

۲. احمدی، ابراهیم (۱۳۹۷) «انعطاف‌ناپذیر دانستن نقش‌های جنسیتی و دفاع از تبعیض‌های جنسیتی»، **پژوهش‌نامه‌ی زنان**، ۹ (۱): ۳۵-۲۵.

۳. امینی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۹٤) «تحلیل و بررسی اثرات قطب صنعتی پارس جنوبی بر ساختار روستاهای استان بوشهر (نمونه: شهرستان‌های عسلویه، کنگان، دیر و جم)»، **فصل‌نامه‌ی برنامه‌ریزی فضایی**، ۵ (۱): ۱۲۲-۱۰۱.

٤. پارسی، حمیدرضا و حوری کیایی (۱۳۹۵) «تأثیر توسعه‌ی صنعتی بر وضعیت اجتماعی مردم شهر عسلویه و نقش رسانه در مشارکت محلی»، **مجله‌ی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، ۵ (۲): ۲۵۳-۲۳۳.

۵. شیری، حامد (۱۳۹۸) «نگرش جنسیتی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه‌ی تطبیقی میان‌کشوری)»، **فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی زن و جامعه**، ۱۰ (۱): ۲٦۲ – ۲۳۷.

٦. صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۹۹) **جامعه‌شناسی (کلیات، مفاهیم، پیشینه)**، تهران: ارسباران.

۷. علاقه‌بند، علی (۱۳۹٤) **جامعه‌شناسی آموزش و پرورش**، تهران: روان.

۸. فلاحی، بهاره (۱۳۹٦) «بررسی جریان سازی جنسیتی در فرآیند سیاست‌گذاری (سیاست پژوهی)»، **سیاست‌گذاری عمومی**، ۳ (۲): ۲۵۷-۲۳۷.

۹. میردال، گونار (۱۳۹٦) «توسعه چیست؟»، ترجمه‌ی علی سلیمیان ریزی، «تصور عصر پساتوسعه»، ترجمه‌ی محمد ملاعباسی، **تصور عصر پساتوسعه؛ مقالاتی درباره‌ی توسعه**، تهران: ترجمان، ۳۱-۱۹.

10. Amuchástegui, A. , Cruz, G. , Aldaz, E. , & Mejía, M. C. (2010) «Politics, Religion and Gender Equality in Contemporary Mexico: women's sexuality and reproductive rights in a contested secular state», **Third World Quarterly**, 31(6): 989-1005, DOI: 10. 1080/01436597. 2010. 502733.

11. Becker, S. O. , Nagler, M. and Woessmann, L. (2017) «Education and Religious Participation: City-Level Evidence from Germany’s Secularization

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

Period 1890–1930», **Journal of Economic Growth**, 22 (3): 273–311. DOI: 10. 1007/s10887-017-9142-2.

12. Cohen, B. (2019) **Sociology, Tehran**: Samt. (Persian).

13. Evans, G. and Northmore-Ball, K. (2012) «The Limits of Secularization? The Resurgence of Orthodoxy in Post-Soviet Russia» , **Journal for the Scientific Study of Religion,** 51(4): 795–808. DOI: 10. 1111/j. 1468-5906. 2012. 01684. x.

14. Foster, G. M. (1973) **Traditional societies and technological change**, HarperCollins Publishers.

15. Giddens, A. (2020) **Sociology**, Tehran: Ney. (Persian).

16. Gorski, P. S. (2000) «Historicizing the Secularization Debate: Church, State, and Society in Late Medieval and Early Modern Europe, ca. 1300 to 1700» , **American Sociological Review**, 65(1): 67–138. DOI: 10. 2307/2657295.

17. Halman, L. and Draulans, V. (2006) «How Secular is Europe?», **The British Journal of Sociology**, 57(2): 88–263. DOI: 10. 1111/j. 1468-4446. 2006. 00109. x.

18. Hekmatpour, P. (2020) «Inequality and Religiosity in a Global Context: Different Secularization Paths for Developed and Developing Nations», **International Journal of Sociology and Social Policy**, DOI: 10. 1080/00207659. 2020. 1771013

19. Inglehart, R. F. (2018) **Cultural Evolution: People's Motivations are Changing, and Reshaping the World**, New York: Cambridge University Press.

20. Mason, K. O., & Lu, Y.-h. (1988) «Attitudes toward women's familial roles: Changes in the United States, 1977–1985», **Gender & Society**, *2*(1), 39–57. DOI: 10.1177/089124388002001004

21. Norris, P., and Inglehart, R. (2004) **Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide**, New York: Cambridge University Press.

22. Pollack, D. (2016) «Religious Pluralism: Undermining or Reinforcing Religiosity?», **Society**, 53(2): 6–131. DOI: 10. 1007/s12115-016-9988-5.

23. Richards, K. A. R. , Templin, T. J. & Graber, K. (2014) «The socialization of teachers in physical education: Review and recommendations for future works», **Kinesiology Review**, 3(2): 113–134. DOI: 10. 1123/kr. 2013-0006.

24. Schnabel, L. and Bock, S. (2017) «The Persistent and Exceptional Intensity of American Religion: A Response to Recent Research», **Sociological Science**, 4: 686–700. DOI: 10. 15195/v4. a28.

25. Stark, R. (1999) «Secularization, R. I. P» , **Sociology of Religion**, 60(3): 73–249. DOI: 10. 2307/3711936.

26. Strulik, H. (2016) «Secularization and Long-Run Economic Growth», **Economic Inquiry**, 54(1): 177–200. DOI: 10. 1111/ecin. 12242.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

27. Voas, D. and Chaves, M. (2016) «Is the United States a Counterexample to the Secularization Thesis?», **American Journal of Sociology**, 121(5): 56–1517. DOI: 10. 1086/684202.

28. Voas, D. and Chaves, M. (2018) «Even Intense Religiosity is Declining in the United States», **Sociological Science**, 5: 694–710. DOI: 10. 15195/v5. a29.

29. Weidman, J. C. , DeAngelo, L. , and Bethea, K. A. (2014) «Understanding Student Identity from a Socialization Perspective», **New Direction for Higher Education**, 166: 43–51. DOI: 10. 1002/he. 20094.

30. Wilkins-Laflamme, S. (2016) «Secularization and the Wider Gap in Values and Personal Religiosity between the Religious and Nonreligious», **Journal for the Scientific Study of Religion**, 55(4): 36–717.

31. Yeganeh, H. (2021) «A cross-national investigation into the effects of religion on gender equality», **International Journal of Sociology and Social Policy**, DOI 10. 1108/IJSSP-10-2020-0479.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]